

تروریسم و اسلام؛ چشم‌اندازی حقوقی

ابوالفضل فصیحی^{*۱}

۱- عضو هیئت علمی دانشگاه کاتب، کابل، افغانستان

چکیده

ارتباط میان پدیده‌هایی چون تروریسم و خشونت با اسلام را از ابعاد مختلف می‌توان مورد بررسی قرار داد. در این پژوهش رابطه میان تروریسم و اسلام از منظر حقوق اسلامی مورد پژوهش قرار گرفته است. در حقوق اسلامی مفاهیم و موضوعاتی وجود دارد که با مفهوم تروریسم ارتباط دارد. در این مقاله، سه مفهوم «معاهدات بین‌المللی»، «جنگ و جهاد» و «اقدامات ممنوع جنگی» مورد بررسی قرار گرفته و با تروریسم نسبت‌سنجی شده‌اند. در این پژوهش این تبیین می‌شود که نمی‌توان از شریعت اسلام برای توجیه هیچ اقدام تروریستی بین‌المللی استفاده کرد. حقوق اسلامی، ترور و خشونت را محکوم می‌داند و تروریستی که به این حقوق متمسک می‌شود، دچار یک خطای حقوقی است.

واژه‌های کلیدی: تروریسم، حقوق اسلامی، معاهدات بین‌المللی، جنگ و جهاد، اقدامات ممنوع جنگی

مقدمه

ترور و تروریسم یکی از مباحث پر رونق محافل سیاسی و حقوقی دنیا و مجامع بین‌المللی است. شنیدن این واژه ذهن را متوجه خشونت، قتل و جنایت می‌کند. عملیات تروریستی پدیده‌ای تازه نیست، بلکه روشی است که طی قرون متمادی، ضعیفان برای ترساندن حکومت‌ها و قدرتمندان حاکم یا دو قدرتمند در مقابل یکدیگر، یا قدرتمندی برای ترساندن ضعیفان به کار برده‌اند، و تاریخ، آکنده از اقدام‌های تروریستی است.

در دهه‌های اخیر عملیات تروریستی زیادی به وسیله مسلمانان یا بر ضد مسلمانان در داخل و خارج از سرزمین‌های اسلامی اتفاق افتاده است. گروه‌هایی همچون القاعده، طالبان، بوکو حرام و در سال‌های اخیر داعش گروه‌های تروریستی هستند که اعمال تروریستی‌شان را به نام اسلام انجام می‌دهند. این مسائل باعث شده است که مجامع غربی، مسلمانان را متهم به تروریست بودن کنند و دین اسلام را دین خشونت معرفی کنند. امروزه شاید بیش از هر زمان دیگر، این پرسش سه‌مناک در برابر متفکران مسلمان رخ نموده باشد که نسبت میان اسلام و خشونت چیست؟ به این پرسش از زوایای مختلفی می‌توان پاسخ گفت. در این تحقیق برآنیم که مسئله تروریسم را از دیدگاه حقوق اسلامی مورد بررسی قرار دهیم.

۱- تعریف تروریسم

همواره پرسش‌هایی در زمینه مفهوم تروریسم مطرح بوده است که پاسخ گفتن به آن‌ها به سادگی میسر نیست از جمله اینکه، آیا باید تعریف تروریسم کلی باشد یا موارد و مصادیق را معین کند یا هر دو مقصود را برآورده سازد؟ آیا این تعریف باید محدود به افراد و گروه‌ها باشد یا تروریسم دولتی را نیز شامل گردد؟ آیا اقدامات گروه‌های آزادی بخش را نیز در بر می‌گیرد یا نه؟ آیا باید قصد و انگیزه مجرمانه را نیز به عنوان اجزای ضروری تروریسم تلقی کرد یا خیر؟

تروریسم اساساً پدیده‌ای سیاسی است، اما از سایر پدیده‌های سیاسی از جمله پدیده‌های انقلاب، شورش، کودتا، جنگ، عملیات چریکی و امثال این‌ها متفاوت است. با این حال، تروریسم همراه با خشونت است و سعی دارد در جامعه ارباب و ترس و وحشت ایجاد کند تا به اهداف سیاسی خود دست یابد. تا به حال، هیچ تعریف جامع و مانع درباره تروریسم ارائه نشده است که محققان و متخصصان و صاحب‌نظران این حوزه، روی آن توافق داشته باشند. در نتیجه در تعریف تروریسم وحدت نظری وجود ندارد. اما صاحب‌نظران در مورد یک ویژگی آن اتفاق نظر دارند و آن هم این است که تروریسم همواره با خشونت

و یا تهدید به خشونت همراه است. با این حال، تلاش‌هایی در خصوص تعریف این پدیده صورت گرفته است. در ذیل به برخی از این تلاش‌ها اشاره می‌شود:

- در پیوست تکمیلی فرهنگ لغات فرهنگستان علوم فرانسه، تروریسم چنین معنا شده است: «نظام یا رژیم وحشت» (طیب، ۱۳۸۰: ۵۵).
- تعریفی که وزارت دفاع ایالات متحده در سال ۱۹۹۰ از تروریسم ارائه کرده، عبارت است از: «کاربرد غیرقانونی یا تهدید به کاربرد زور یا خشونت بر ضد افراد یا اموال برای مجبور یا مرعوب ساختن حکومت‌ها یا جوامع که اغلب به قصد دستیابی به اهداف سیاسی، مذهبی یا ایدئولوژیک صورت می‌گیرد» (laqueur, 1999: 5).
- دانشنامه بریتانیکا تروریسم را چنین تعریف می‌کند: «تروریسم عبارت است از کاربرد سیستماتیک ارباب یا خشونت پیش‌بینی‌ناپذیر بر ضد حکومت‌ها، مردمان یا افراد برای دستیابی به یک هدف سیاسی» (The New Encyclopedia Britannica, 1986: 65).
- «پلانو» تروریسم را تلاش‌های عناصر دولتی و غیر دولتی که سعی می‌کنند با استفاده از روش‌های خشونت‌آمیز به اهداف سیاسی خود دست یابند، تعریف می‌نماید (Plano Jack & roylyton, 1988: 201).
- «دیوید روبرتسون» اظهار می‌دارد: «تروریسم استفاده سیاسی از خشونت به عنوان ابزاری برای تحت فشار قرار دادن یک حکومت و یا جامعه جهت تغییر سیاسی یا اجتماع رادیکال است» (Robertson David, 1993: 458).
- یکی از جامع‌ترین تعاریف آکادمیک از تروریسم را «آلکس اشمید» با ترکیب ۱۰۹ تعریف و مساعدت بیش از پنجاه دانش‌پژوه این‌گونه بیان می‌کند: «تروریسم شیوه اقدامات تکراری به منظور ایجاد دلهره، رعب و وحشت است که به دلایل سلیقه‌ورزی، جنایی و یا سیاسی توسط گروه‌های مختلف به کار گرفته می‌شود» (Schmid, Alex P, 1993: 8).
- تعریف سازمان ملل که در قطعنامه ۱۹۴۸ آمده است: مجمع عمومی سازمان ملل «تروریسم» را فعالیت‌های مجرمانه و خشونت‌آمیزی می‌داند که گروه‌های سازمان‌یافته برای ایجاد رعب و وحشت انجام می‌دهند تا به این ترتیب نیل به اهداف سیاسی را میسر سازند (بوسا، ۱۳۷۷: ۱۲۰).
- شریف بسیونی تعریفی جامع از تروریسم دارد: «رفتار اجبار آفرین فردی یا دسته جمعی با به کارگیری استراتژی‌های خشونت آمیخته با ارباب که در برگزیده یک عنصر بین‌المللی یا هدف‌گیری شده بر ضد یک آماج تحت حمایت بین‌المللی است و هدف از آن رسیدن به

نتیجه‌های قدرت‌طلبانه است. چنین رفتاری در موارد زیر در برگیرنده یک عنصر بین‌المللی است:

- ۱- مرتکب و قربانی، شهروندان دولت‌های مختلف باشند؛
 - ۲- همه یا بخشی از این رفتار در بیش از یک کشور انجام شود.
- آماج‌های تحت حمایت بین‌المللی عبارت اند از:
- ۱- غیر نظامیان بی‌گناه؛
 - ۲- دیپلمات‌های دارای استوارنامهٔ مورد قبول و کارمندان سازمان‌های بین‌المللی که در داخل حوزهٔ فعالیت خود عمل می‌کنند؛
 - ۳- هواپیمایی غیر نظامی بین‌المللی؛
 - ۴- پست و دیگر وسایل ارتباط بین‌المللی؛
 - ۵- اعضای نیروهای مسلح که درگیر جنگ نباشند.

نتیجهٔ قدرت طلبانه نیز نتیجه‌ای است که هدف آن تغییر یا حفظ ساخت‌ها یا خط‌مشی‌های فعال سیاسی، اجتماعی یا اقتصادی یک دولت یا سرزمین مشخص از طریق استراتژی‌های اجبارآفرین باشد (دردریان و دیگران، ۱۳۸۴: ۳۷۳).

تروریسم اصطلاحی است که... تقریباً به شیوه‌های گوناگون به تعبیری منفی به کار می‌رود تا غالباً اقدامات گروه‌های فرا دولتی خودساخته با انگیزهٔ سیاسی علیه جان افراد را توصیف کند، اما اگر این اقدامات به خاطر یک آرمان گسترده مقبول ... صورت بگیرد، از کاربرد اصطلاح تروریسم معمولاً اجتناب شده و اصطلاح دوستانه‌تری جانشین آن می‌شود (مک لین، ۱۳۸۱: ۸۰۸).

- استفاده یا تهدید به استفاده از خشونت، به صورتی نظام‌مند (systemic) برای نیل به اهداف سیاسی» (گراهام و نونام، ۱۳۸۱: ۸۰۴).

از مجموع تعاریف بالا می‌توان موارد ذیل را به عنوان مؤلفه‌های یک اقدام تروریستی برشمرد:

- ۱- ایجاد رعب، وحشت و سلب امنیت
- ۲- غیر قابل پیش‌بینی و غیر منتظره بودن
- ۳- داشتن انگیزه و هدف سیاسی
- ۴- صدمه رساندن به مردم عادی و بی‌گناه
- ۵- داشتن یک عنصر بین‌المللی

از طرف دیگر، مشکلات و موانع فکری و ساختاری، بررسی و تعریف تروریسم را باز هم مشکل‌تر کرده است. همان‌طور که آکس اشمید هم می‌گوید موضوع تعریف واژه‌ای مانند تروریسم را نمی‌توان منفک از مرجع تعریف‌کننده‌اش دانست (Schmid, Ibid). لذا پرسش ما درباره تروریسم غالباً به یک سؤال تجویزی محدود می‌شود یعنی آیا تروریسم یک نیروی مثبت (خوب) است یا منفی (بد)؟

در این زمینه گرانت وارد لاو می‌نویسد: «همه ما مدخل‌های متفاوتی از ترس و پیشینه‌های فرهنگی و شخصی‌مان داریم که تصاویر، تجارب یا ترس‌های مشخصی را برای هریک از ما بیش از دیگران وحشتناک می‌سازد» (Grant, 1984: 65). این ذهنیت، بهره‌برداری علمی از مفهوم تروریسم را به شدت مشکل می‌سازد. در نتیجه هر تعریفی از تروریسم الزاماً تعریفی اختیاری است که هدف اصلی‌اش ایجاد یک نقطه عطف برای بحث بیشتر است. در همین راستا، ریچارد هنل در کتاب «تروریسم؛ شکل جدید جنگ» با در نظر گرفتن موانع و مشکلات موجود بر سر راه تعریف تروریسم، آن را به شکل زیر تعریف می‌کند: «ترور، یک ترس فلج‌کننده شدید یا بیم از آن است. تروریسم تلاش آگاهانه برای اعمال ترور از طریق یک عملکرد سمبلیک است که استفاده یا تهدید به استفاده از زور مهلک غیر طبیعی را به منظور نفوذ بر یک شخص یا گروه هدف در بردارد» (نل، ۱۳۸۳: ۱۳۶).

۲- تروریسم از دیدگاه اسلام

بعد از واکاوی مفهوم تروریسم و تبیین معنای آن نوبت بدان می‌رسد که این مفهوم را از نظر فقه و حقوق اسلامی بررسی کنیم و نظر اسلام را در این باره جویا شویم.

بدیهی است که ترور و تروریسم مفهوم نسبتاً جدیدی است و در گذشته این مفهوم در دنیا مطرح نبوده است؛ بنابراین اسلام به صورت مستقیم به این پدیده متعرض نشده است. اما در فقه اسلامی مفاهیم و موضوعاتی وجود دارد که با مفهوم تروریسم ارتباط دارد. در این مقاله، سه مفهوم «معاهدات بین‌المللی»، «جنگ و جهاد» و «اقدامات ممنوع جنگی» مورد بررسی قرار گرفته و با تروریسم نسبت‌سنجی می‌شوند.

۲-۱ معاهدات بین‌المللی در اسلام

معاهدات، قراردادهای و میثاق‌های چندجانبه از مدت‌ها پیش روش حقوقی منتخب جامعه بین‌المللی برای مبارزه با تروریسم بوده است.

تعریف معاهده: «معاهده هرگونه توافق منعقد کتبی میان اشخاص یا تابعان حقوق بین‌المللی (کشورها و سازمان‌های بین‌المللی) است، به شرطی که طبق مقررات حقوق بین‌الملل تنظیم شده باشد و

این مقررات بر آن توافق حاکم باشند و در نتیجه آثار حقوقی مشخصی را به بار آورند» (ضیائی بیگدلی، ۱۳۷۴: ۹۷).

جالب آنکه شریعت اسلامی نیز اعتبار مشروع معاهدات برای هر دولت اسلامی را تضمین کرده است. این بدان معناست که هر دولت اسلامی با عقد قرارداد ضد تروریستی، بر اساس حقوق اسلامی متعهد به محترم شمردن آن قرارداد است. همچنین دلالت بر آن دارد که چشم‌انداز کاربردهای موفقیت‌آمیز چنین میثاق‌های چندجانبه‌ای در آینده، مشروط به تمایل کشورهای اسلامی برای متعهد ساختن خویش به آن‌ها، بسیار امیدوار کننده است.

بر اساس حقوق اسلامی، قراردادها، معاهدات و میثاق‌های بین‌المللی کاملاً الزام‌آورند. به رغم این دیدگاه جا افتاده اسلامی که جهان را به دو حوزه دارالاسلام و دارالحرب تقسیم می‌کند، در شریعت، شناسایی دولت‌های غیر اسلامی و نیز مذاکره با آن‌ها پذیرفته شده است. در واقع، بر اساس حکم فقهای مسلمان، میثاق‌های بین‌المللی در صورت پیوستن دولت‌های مسلمان به آن‌ها به صورت بخشی از حقوق اسلامی در می‌آیند (Mahmud-un-Nasir, 1973: 10).

بنابراین در اسلام به معاهده به عنوان اساس زندگی بین‌المللی تأکید و اصرار شده است. بهتر است در این زمینه، اشاره‌ای مختصر به نصوص قرآنی داشته باشیم:

۱- الا الذین یصلون الی قوم بینکم و بینهم میثاق [النساء / ۹۰] (مگر آن‌ها که با مردمی برخورد می‌کنند که بین آن‌ها و کفار پیمانی وجود دارد که نباید متعرض آنان گردند)

۲- الا الذین عاهدتم عند المسجد الحرام فما استقاموا لكم فاستقیموا لهم [التوبه / ۷] (مگر آن‌ها که بین شما و آنان در کنار مسجد الحرام پیمان بسته شد، تا آن‌جا که بر پیمانشان پا می‌فشارند شما نیز پای بفشارید)

۳- فاتمو الیهم عهدهم ان الله یحب المتقین [التوبه / ۴] (پیمان آن‌ها را تا آخرین مدت‌ش به پایان برسانید که خداوند پرهیزکاران را دوست می‌دارد)

در سیره سیاسی پیامبر (ص) نمونه زیادی از معاهدات با قبائل و دولت‌ها دیده می‌شود که نشانگر مشروعیت قراردادهای بین‌المللی در اسلام است. پیامبر اسلام (ص) حتی قبل از بعثت بر اصل تنظیم روابط عادلانه بین قبایل، بر پایه پیمان اصرار می‌ورزید و مکرر می‌فرمود:

۱- لقد شهدت دار عبدالله بن جدعان حلفاً ما احب ان لی حمرا نعم و لو ادعی به فی الاسلام لاجبت (سیره ابن هشام، ج ۱، به نقل از عمید زنجانی، ج ۳، ۵۰۳) (من در خانه عبدالله بن جدعان، در جاهلیت شاهد بستن پیمان مشترک جهت حمایت از مظلومان، بین نمایندگان قبائل مختلف

عرب بودم، و چنان بر این پیمان دل بسته بودم که حاضر نبودم در ازای نقض آن، صاحب پربهاترین شتران باشم، اگر در اسلام به چنین پیمانی دعوت شوم فوراً اجابت خواهم کرد). پیمان پیامبر با مردم یثرب زمینهٔ هجرت و تأسیس اولین دولت اسلامی را فراهم نمود، و در آغاز هجرت نیز عهدنامهٔ مدینه که قبائل اوس و خزرج و یهودیان مدینه را به صورت متحدان هم پیمان متشکل می نمود، زمینهٔ شکل‌گیری قدرت اسلام را در برابر تشکل و تهاجم دشمنان اسلام فراهم آورد. پیامبر (ص) با بسیاری از قبائل و دولت‌های مجاور پیمان بست، و قرارداد صلح حدیبیه، امنیت را به حجاز بازگردانید و قدرت گسترش اسلام را افزایش داد. معاهدات و پیمان‌هایی که توسط پیامبر (ص) با قبائل و سران دولت‌ها منعقد می‌گردید، به دستور آن حضرت توسط کتاب نوشته می‌شد که این اسناد بمانند و مفاد آن تنفیذ گردد.

منشور علی ابن ابیطالب

ما می‌توانیم منطق اسلام را در زمینهٔ بزرگداشت پیمان‌ها و میزان ارزش حقوقی قراردادها و لزوم وفای به تعهدات را در منشور معروف علی (ع) به طور کاملاً صریح و واضح مطالعه کنیم. در یکی از فرازهای این منشور که به نام مالک اشتر (والی مصر) صادر شده است چنین آمده است:

«هرگاه بین خود و دشمنت پیمان بستی یا او را از طرف خویش به قرارداد و تعهدی برخوردار نمودی، پیمان خود را با وفا همراه کن و با کمال امانت قرارداد خویش را مراعات نما؛ و امکانات خود را چون سپری برای حفاظت آنچه تعهد داده‌ای قرار بده؛ زیرا در میان فرائض خداوند چیزی که بیش از بزرگداشت وفای به پیمان برای اجتماع مردم - با وجود اینکه خواست‌ها و آراء آنان مختلف است - اهمیت و ضرورت داشته باشد، وجود ندارد. در برابر پیمانت بهانه‌جویی نکن و هیچ نوع خیانت و مکرری را به عهد خویش راه مده و دشمنت را از راه فریب به گمراهی نکشان. بی‌شک بر خداوند کسی جز مردمان نادان تجرى نمی‌ورزند. خداوند عهد و پیمان را از روی رحمت خویش مایهٔ امنیت و آرامش در میان بندگانش گسترده است و آن را حریمی قرار داده که مردم در سایهٔ آن آسوده زندگی کنند و در پناه آن به فیوضات و نیکی‌ها راه یابند، از این رو دغلبازی و ایجاد شبهه و فریبکاری در آن جائز نیست» (نهج البلاغه، شیخ محمد عبده: ۵۳۶-۵۳۷، به نقل از عمید زنجانی، فقه سیاسی: ۷۸).

بنابراین جایگاه والای حقوق معاهداتی در شریعت اسلامی، برای مقابله با ترور و خشونت اهمیتی مضاعف دارد. نخست، شریعت اسلامی دولت را مجاز می‌سازد که وارد مقاله‌نامه چندجانبه‌ای شود که هر کشور را ملزم به قرارداد ضد تروریستی مشخصی که امضا کرده، از جمله مقررات تنبیه و استرداد

تروریست‌های مستقر در داخل حوزه صلاحیت خود، می‌سازد. دوم، از آن‌جا که حقوق اسلامی به‌طور کلی میثاق‌های بین‌المللی را قویاً تصدیق می‌کند، شریعت اسلام هر قرارداد جهانی‌آتی را که ناظر بر طیف گسترده‌تری از ترور و خشونت باشد، معتبر خواهد شناخت. به‌طور بالقوه می‌توان به‌جای مقاوله‌نامه‌های فعلی ضد هواپیماربابی، مصونیت دیپلماتیک، ضد گروگان‌گیری و ضد خرابکاری هسته‌ای یک قرارداد چندجانبه‌ی واحد گذاشت. چنین مقاوله‌نامه‌ای اگر به تصویب دولت‌های مسلمان برسد مجموعه مشخصی از حقوق ضد تروریستی را در حقوق اسلامی خواهد گنجاند.

۲-۲ جنگ و جهاد

بیشتر تروریست‌ها به دلایل تبلیغاتی، شخصاً از اصطلاح «تروریسم» دوری می‌جویند. مشخص کردن یک حادثه تروریستی به عنوان تجلی یک جنگ عادلانه و دفاعی به مراتب قابل قبول تر از آن است که همان حادثه را یک اقدام خشونت‌بار بر ضد غیر نظامیان غیر مسلح بخوانیم. اگر یک سازمان تروریستی، هواپیمائی برپاید یا در یک بازار شلوغ بمب‌گذاری کند، این حادثه واحد را می‌توان به عنوان یک اقدام تروریستی (موضع کشور قربانی) یا عملی با انگیزه عدالت‌جویانه در یک منازعه بالفعل و در حال جریان (موضع تروریست‌ها) معرفی کرد. به عبارت دیگر بر اساس تفسیر تروریست‌ها تروریسم جنگ است و آماج‌های غیر نظامی نماینده یک جبهه فعال‌اند. برای پیش بردن بحث، فعلاً موضع تروریست‌ها را می‌پذیریم؛ تروریسم جنگ است و آماج‌های غیر نظامی، سربازان این جنگ هستند. حتی اگر تروریسم واقعاً یک حمله نظامی باشد و قربانیان غیرنظامی حقیقتاً رزمندگانی در یک ارتش دشمن باشند، باز هم شریعت اسلام چنین اقداماتی را محکوم می‌سازد. حقوق اسلامی برای اعمال نیروی نظامی توسط یک دولت محدودیت‌های صریح و اکیدی قائل است. شریعت اسلام توصیه به تجاوزکاری نمی‌کند.

عملیات خصمانه‌ای که امروزه تحت عنوان «جنگ» در دنیا متداول است در فرهنگ اسلامی جایی ندارد. آنچه در اسلام مقامی دارد جنگ مقدس یا «جهاد» است که دارای معنای خاص، با هدف‌هایی کاملاً متفاوت با جنگ است.

در اسلام جنگی مشروعیت دارد که منطبق با مفهوم جهاد باشد. جهاد در اصل به معنی تلاش و کوشش است، ولی در فقه اسلامی جهاد دو مفهوم عام و خاص دارد. در معنی عام هرگونه جهاد و مبارزه در راه خدا را جهاد گویند. جهاد با نفس - جهاد با عمل - جهاد با قلب و زبان. جهاد با این معانی فاقد جنبه‌های نظامی است و اساساً در این مقاله مورد نظر نمی‌باشد.

اما جهاد در معنای خاص، جنگ مقدس و یا جنگ به خاطر دین و در راه حق و دفاع از آزادی‌های والای اسلامی است، که در قرآن کریم بیشتر از واژه «قتال» استفاده شده است. این مبارزه دارای ابعاد مختلف عقیدتی، نظامی، اقتصادی، سیاسی و غیره می‌باشد.

۱-۲-۲ اهداف جنگ در اسلام

هرچند اهداف اصلی جنگ در اسلام جدا از اهداف عالیة اسلام نمی‌باشد، ولی می‌توان آن‌ها را در این دو جمله خلاصه کرد: گسترش و ترویج شریعت اسلام تا مرحله جهانشمولی و برقراری صلح جهانی؛ از میان برداشتن شرک‌ها، چپاول‌ها و بیدادگری‌ها و جهالت‌ها از سراسر جهان. استاد احمد رشید در این باره معتقد است: «هدف حقیقی و علت غایی جهاد، صلح است یعنی صلح قطعی بشریت که تحت تبعیت و سلطه قواعد آیینی یکتاپرست قرار گیرد» (احمد رشید، ۱۳۵۳: ۱۲۶).

بنابراین در جنگ اسلامی یا جهاد، برخلاف جنگ‌های معمولی، اهداف شخصی مطمح نظر نمی‌باشد. به عبارت دیگر هدف، آدم کشی، کشورگشایی، تحمیل عقیده و بالاخره مداخله نظامی در امور سایر کشورها نیست.

۳-۲ اقدامات ممنوع

آخرین آموزه شریعت اسلامی - با ترکیبی از چند مفهوم فقهی اسلام - آشکار کننده یک مجموعه دیگر از اقدامات ممنوعی است که به‌طور مستقیم با تروریسم بین‌المللی ارتباط دارند. به‌طور مشخص حقوق اسلامی بر حفاظت گسترده از دیپلمات‌ها تصریح داشته، گروگان‌گیری را محدود ساخته و انهدام غیرضروری دارایی واقعی یا شخصی دشمن را قذغن کرده است. قطع نظر از اینکه هدف‌های سیاسی تروریست‌ها چقدر شریف باشد، شریعت اسلام به‌کارگیری هیچ ابزار خشونت‌باری را نمی‌پذیرد.

نخست، فقه‌های مسلمان حقوق دیپلمات‌ها را غیر قابل نقض می‌دانند. از لحاظ تاریخی، اسلام ربودن یا کشتن فرستادگان خارجی را ممنوع شناخته است. بنی‌امیه و بنی‌عباس بارها با نمایندگان بیزانس آداب و تشریفات دیپلماتیک را به‌جای آورده و خود حضرت محمد نیز سفیرانی را که از دارالسلام دیدار می‌کردند، پذیرا می‌شد و حتی به آن‌ها هدیه می‌داد. نه تنها باید از نمایندگان خارجی در برابر کلیه صدمه‌های جسمی حفاظت کرد، بلکه باید برای آن‌ها آزادی عبادی و معافیت از عوارض واردات قائل شد. نتیجه این قوانین در عصر حاضر آن است که هیچ تروریستی - و در واقع هیچ کس - نمی‌تواند به آزادی‌های نمایندگان کشور دیگر تجاوز کند. ایمنی و احترام دیپلمات‌ها امری مقدس است (Mahmud-un-Nasir, Ibid: 10).

شریعت اسلام برای گروگان‌گیری نیز محدودیت‌های چندی وضع کرده است. می‌توان افراد را دستگیر و در طول ایام جنگ بازداشت نمود، ولی باید آن‌ها را با گروگان‌های مسلمان مبادله کرد (یا به عنوان نشانه حسن نیت به‌طور یکجانبه آزاد نمود) و جز به تلافی «کشتار خیانت‌بار» زندانیان مسلمان، نباید آن‌ها را کشت. اما جاسوسانی که دستگیر می‌شوند از چنین حمایتی برخوردار نمی‌گردند. ابویوسف فقیه برای آنان که از تغییر مذهب سرباز می‌زنند، مجازات مرگ و برای کسانی که پناه بردن به آغوش اسلام را انتخاب نمی‌کنند، حبس و حتی شکنجه را مجاز می‌شمارد. ولی مطابق نظر الشیبانی، جاسوسی از حیث اهمیت نازل‌تر از دزدی است و مادام که فرد جاسوس، شهروند یک دولت اسلامی باشد، مسلماً هیچ دلیلی برای مرگ او وجود ندارد. در هر حال، هرگونه استفاده از گروگان‌ها به عنوان «سپر انسانی» به صراحت قدغن شده است، یعنی نمی‌توان از هیچ زندانی به عنوان سپر محافظ نگهبانش در طول حمله دشمن استفاده کرد (Mahmud-un-Nasir, Ibid: 53).

احترام به زندگی انسان و دارایی شخصی، از اصول اساسی شریعت اسلام است. هیچ فرد غیر جنگجویی را نمی‌توان کشت مگر عمدتاً از وی به‌عنوان سپر دشمن استفاده شده باشد یا آنکه به‌طور غیرعمد در جریان یک حمله شبانه یا حمله‌ای از راه دور به کمک متجنیق، هدف قرار گیرد. اگر ضروری و لازم نباشد نباید علفزارها را ضایع کرد و جنگل‌ها را از بین برد. از همه مهم‌تر، حتی برای کسانی که خود فعالانه مشغول جنگند، در تمام اوقات حمایت‌های اساسی وجود دارد. تعرض جنسی، اخته کردن، گردن زدن، کشتن از راه سوزاندن، یا قتل عام غیر ضروری، مطلقاً ممنوع است. بر اساس یک تحریم جامع که حکم آن به ابوبکر، خلیفه نخستین، باز می‌گردد باید از هرگونه «افراط و شرارت» متعصبانه پرهیز کرد. حکم اساسی واحد، رفتار منصفانه با تمام اشخاص حتی در زمان جنگ است. طبق دستور حضرت محمد (ص): «خداوند مقرر کرده است که در هر کاری جانب انصاف را نگاه دارید؛ پس، حتی اگر کسی را باید بکشید این کار را به شکل منصفان‌های انجام دهید.» این فرمان قانونی شاید پایدارترین ابراز نظر اسلام درباره ترور و خشونت باشد (Mahmud-un-Nasir, Ibid: 72).

نتیجه‌گیری

می‌توان از شریعت اسلام - دست کم به‌طور غیرمستقیم - برای محکوم ساختن تروریسم بین‌المللی به اتکای اصول شرعی ناظر بر میثاق‌های بین‌المللی جنگ، بی‌طرفی و اقدامات ممنوع استفاده کرد. اما بحران تروریسم همچنان ادامه دارد. در واقع، وقتی شخصی پایبند ارتکاب ترور و خشونت است، ترمزهای عملی و مؤثر چندانی برای کنترل او وجود ندارد.

با این حال، حقوق اسلامی، در مورد تلاش برای مبارزه با تروریسم بین‌المللی موضوعیت دارد. نخست، از نظرگاه صرفاً عاطفی ممکن است دانستن این مطلب آرامش‌بخش باشد که تروریستی که فردی را به گروگان گرفته، سفیری را به قتل رسانده یا هواپیمایی را منفجر کرده است، نمی‌تواند آن اقدام خشونت‌بار را بر پایه‌ی مرجع مذهبی عالی‌تری مشروع جلوه دهد. مسلمانانی که مرتکب ترور و خشونت می‌شوند، اغلب اقدام خود را با فریاد «الله اکبر» به پایان می‌رسانند، اما نمی‌توان از شریعت اسلام برای توجیه هیچ اقدام تروریستی بین‌المللی استفاده کرد. حقوق اسلامی، ترور و خشونت را محکوم می‌داند و تروریستی که به این حقوق متمسک می‌شود، دچار یک خطای حقوقی است.

وانگهی، درک موضع شریعت به کشورهای غیرمسلمان امکان می‌دهد تا در مبارزه با ترور و خشونت هم به کشورهای اسلامی فشار بیشتری وارد آورند و هم احتمالاً با آن‌ها همکاری کنند.

اما هرچند شناخت شریعت اسلامی به دلیل آن‌که نشان می‌دهد تروریست‌های متمسک به اسلام، عملی غیرقانونی انجام می‌دهند یا مشخص می‌سازد که تروریسم برای یک دولت اسلامی و غرب به یک اندازه نامطلوب است، سودمند می‌باشد ولی اهمیت والای حقوق اسلامی تنها در صورتی فعلیت می‌یابد که غرب استفاده فعال‌تری از آن کند. به عبارت دیگر، شریعت صرفاً آموزه‌ای انتزاعی برای مطالعه نیست، بلکه می‌تواند ابزار مؤثری برای مبارزه با تروریسم بین‌المللی باشد.

منابع

- آندرو بوسا (۱۳۸۱). *بزهکاری بین‌المللی*، جلد اول، ترجمه نگار رخشانی، گنج دانش، تهران
- احمد رشید (۱۳۵۳). *اسلام و حقوق بین‌الملل عمومی*، ترجمه دکتر حسین سیدی، تهران: مرکز مطالعات عالی بین‌المللی دانشگاه تهران
- ایوانز، گراهام - نونام، جفری (۱۳۸۱). *فرهنگ روابط بین‌الملل*، ترجمه دکتر حمیرا مشیر زاده - دکتر حسین شریفی طراز کوهی، نشر میزان، تهران
- دردریان، جیمز و دیگران (۱۳۸۴). *تروریسم تاریخ*، جامعه‌شناسی، گفتمان، حقوق، ترجمه وحید بزرگی و دیگران، گردآوری و ویرایش علیرضا طیب، تهران
- طیب، علیرضا (۱۳۸۰). «تروریسم در فراز و فرود تاریخ»، *مجله راهبرد*، شماره ۲۱، صفحه ۵۵ تا ۶۷
- ضیائی بیگدلی، محمدرضا (۱۳۷۴). *حقوق بین‌الملل عمومی*، کتابخانه گنج دانش، تهران
- علیزاده، حسن (۱۳۷۷). *فرهنگ خاص علوم سیاسی*، انتشارات روزنه، تهران
- علی بابایی، غلام رضا (۱۳۸۳). *فرهنگ روابط بین‌الملل*، انتشارات وزارت امور خارجه، تهران
- عمید زنجانی، عباسعلی (۱۳۷۷). *فقه سیاسی*، جلد سوم، انتشارات امیرکبیر، تهران
- مهرداد، محمود (۱۳۶۳). *فرهنگ جدید سیاسی*، انتشارات هفته، تهران
- مک لین، ایان (۱۳۸۱). *فرهنگ علوم سیاسی آکسفورد*، ترجمه حمید احمدی، نشر میزان، تهران
- هاشمی، کامران (۱۳۸۰). «حقوق اسلامی در تقابل با تروریسم بین‌المللی»، *مجله راهبرد*، شماره ۲۱، صفحه ۱۳۴ تا ۱۵۷
- هنل، ریچارد (۱۳۸۳). *تروریسم؛ شکل جدید جنگ*، ترجمه احمد واحدیان غفاری، انتشارات سخن گستر، تهران
- Laqueur, Walter (1999). *The new terrorism : fanaticism and the arms of mass destruction*, Oxford New york
- Syed Mahmud-un-Nasir (1973). *Muslim Conduct of State*, Mansoor Book House
- The New Encyclopedia Britannica*, vol. 11, Micropaedia, 1986
- Plano Jack & roylton (1988). *The International Relations Dictionary*. USA: Longman
- Robertson David (1993). *A Dictionary of Modern Politics*. London: British library
- Cataloguing in Publication Data.
- Schmid, Alex P (1993). "The Response Problem as a Definition Problem", In: Western Response to terrorism, Alex and Roland D. Crelinsten. London: Frank Cass & Co. Ltd.
- Wardlaw Grant (1984). *political terrorism: theory, tactics and countermeasures*, Cambridge university press